

نگاهی نظام‌مند به مفهوم سرمایه اجتماعی:

چیستی، چرایی، چگونگی

امیرحسین بنائی^۱، حسن زارعی‌متین^۲، سارا مزینانی شریعتی^۳

۱. دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، پردیس فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران

۲. استاد دانشکده مدیریت، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران

۳. استاد دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۲۶ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۲۱)

چکیده

مفهوم «سرمایه اجتماعی» جای خود را به‌خوبی در علوم اجتماعی باز کرده و کتب و مقالات متعددی درباره آن نوشته شده است. همین موضوع سبب شده رویکردها، تعاریف، برداشت‌ها، و کاربردهای متعدد و متنوعی برای آن در ادبیات مربوطه یافت شود. در پژوهش حاضر، به قصد دستیابی به نگرشی کل‌نگرانه به سرمایه اجتماعی، منابع و مستندات موجود بررسی شد و با استفاده از روش کیفی تحلیل مضمون داده‌های گردآوری شده سامان یافت و تصویری نظام‌مند به دست آمد. در این راه، محققان، جهت دسته‌بندی و کدگذاری داده‌ها، از ایده منطقی «علل اربعه» کمک گرفتند تا به‌خوبی بتوانند پرسش‌های پژوهش را در خصوص چیستی و چرایی و چگونگی سرمایه اجتماعی پاسخ گویند. در پایان نیز الگوی سیستمی مفهوم سرمایه اجتماعی ارائه شد.

کلیدواژگان

تحلیل مضمون، سرمایه اجتماعی، سیستم تعاملات اجتماعی، علل اربعه، نگرش نظام‌مند.

مقدمه

سرمایه اجتماعی^۱ مفهومی تقریباً نوظهور است که در چند ساله اخیر جای خود را به نحو چشمگیری در علوم اجتماعی باز کرده است؛ طوری که رویکردها، تعاریف، و کاربردهای بسیار متنوع و مختلفی از این مفهوم در منابع و مستندات علمی ارائه شده جنگلی از معانی را پدید آورده که هم اتفاق نظر درباره آن بسیار مشکل است و هم طبیعتاً ذهن مخاطبان را آشفته کرده است.

نظریه سرمایه اجتماعی به طور ذاتی بسیار ساده است. ایده محوری آن را می توان در عبارت «روابط اجتماعی» خلاصه کرد: اعضای جامعه با برقراری تماس با یکدیگر و پایدار ساختن آن قادر به همکاری با یکدیگر می شوند و از این طریق چیزهایی کسب می کنند که به تنهایی قادر به کسب آنها نیستند یا با دشواری بسیار موفق به کسب آنها می شوند (فیلد ۱۳۸۶: ۷).

در مقاله حاضر سعی شد با نگرشی جامع به مفهوم سرمایه اجتماعی، رویکردها، ابعاد، سطوح، انواع، کارکردها، و ویژگی های عمده آن از سه منظر چیستی و چرایی و چگونگی بررسی شود و متعاقباً به سه دسته سؤال به صورت تفصیلی پاسخ داده شود:

۱. سرمایه اجتماعی چیست؟ چه ماهیتی دارد؟ ابعاد تشکیل دهنده آن کدامند؟ با چه رویکردهایی می توان به بررسی این مفهوم پرداخت؟ سطوح مختلف سرمایه اجتماعی و ویژگی های عمده آن چیست؟

۲. بررسی مفهوم سرمایه اجتماعی چه ضرورتی دارد و ارتقای شاخص های مرتبط با آن در جامعه چه دستاوردهایی برای جامعه به ارمغان خواهد آورد؟

۳. زمینه ها، عوامل، روش ها، و محدودیت های ایجاد و ارتقای سرمایه اجتماعی در جامعه کدامند؟ از آنجا که بر حسب مورد بررسی پیشینه نظری پژوهش، خود، جزئی از محتوای پژوهش حاضر (و نه مقدمه ای برای آن) است، آوردن آن به صورت مجزاً سالبه به انتقای موضوع است. در نتیجه از این کار آگاهانه خودداری شد. به بیان دیگر، تولید یک انگاره جدید و نظام مند از سرمایه اجتماعی، خود، موضوع این پژوهش است.

در بررسی پیشینه تحقیق حاضر نیز با کنکاش اجمالی، به ویژه در مقالات علمی - پژوهشی

فارسی، هیچ کار مشابهی یافت نشد. در اکثر مقالات یا رابطه مفهوم سرمایه اجتماعی با سایر مفاهیم متداول در علوم اجتماعی بررسی شده است یا عوامل ارتقای آن در زمینه‌ای خاص (مثلاً یک شرکت). ازین‌رو، عمدتاً یک تعریف یا رویکرد واحد از سرمایه اجتماعی مفروض گرفته شده است. همین موضوع درباره مدل‌های مطرح‌شده در این حوزه نیز صادق است.

روش تحقیق

تحقیق حاضر در واقع تحلیلی سیستماتیک از تعاریف و مدل‌ها و کاربردهای مرتبط با مفهوم سرمایه اجتماعی است که با نگاهی کل‌نگرانه به آن‌ها سعی شد آرای گوناگون مطرح‌شده در یک انگاره نظام‌مند دسته‌بندی و طرح شود. به عبارت دیگر، تحقیق حاضر سرمایه اجتماعی را به مثابه «سیستم تعاملات اجتماعی» جامعه بررسی کرده است. برای این کار، از روش پژوهش کیفی تحلیل مضمون^۱ استفاده شد. این روش برای دیدن متن، برداشت، درک مناسب اطلاعات ظاهراً نامرتبط، تحلیل اطلاعات کیفی، مشاهده نظام‌مند شخص، تعامل، گروه، موقعیت، سازمان و فرهنگ است (بویاتزیس ۱۹۹۸). در تکنیک تحلیل مضمون، اطلاعات بر اساس موضوع در دسته‌های معنادار طبقه‌بندی می‌شوند تا بتوان دیدگاه‌ها را خلاصه و تحلیل کرد (خنیفر ۱۳۹۶: ۵۳).

در همین زمینه، برای اینکه طبقه‌بندی و کدگذاری داده‌ها در سیری منطقی و منظم پیش برود، از ابتدا ایده منطقی «علل اربعه» مدنظر قرار گرفت. مطابق این ایده، «علت» به چهار نوع مادی و غایی و صوری و فاعلی تقسیم می‌شود. علت مادی درباره مواد و اجزای تشکیل‌دهنده شیء بحث می‌کند که می‌توان آن را با «چیستی» شیء معادل دانست. علت غایی غایت و هدف یا اهداف مرتبط با شیء را بازنمایی می‌کند و می‌توان آن را هم‌ارز با «چرایی» به شمار آورد. علت صوری از «چگونگی» کارکرد و سازوکار عملکرد شیء سخن می‌گوید. و بالاخره علت فاعلی بیانگر به‌وجودآورنده یا به‌وجودآورندگان شیء است [۱]. بر همین اساس، محقق، ضمن مطالعه و فیش‌برداری، به محض دسترسی به گزاره‌ای جدید، ابتدا «جنس» آن را - از حیث اینکه مرتبط با کدام یک از علل چهارگانه منطقی سرمایه اجتماعی است - معین کرد و سپس با انتخاب کد مناسب، به نحوی که هم نمایانگر

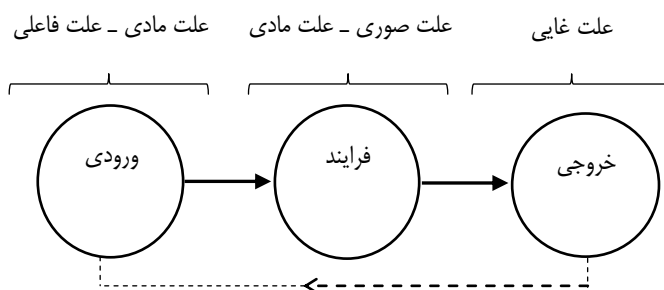
محتوای گزاره مزبور باشد هم فصل آن را در ارتباط با کدهای همجنسش نشان دهد، آن را کدگذاری^۱ کرد و این کار را تا رسیدن به مرحله کفایت نظری، یعنی تا جایی که محقق با تداوم مطالعه در موضوع تحقیق دیگر به گزاره جدیدی دست نمی‌یابد ادامه داد.

در تحقیق حاضر، علل مادی سرمایه اجتماعی در واقع همان اجزای تشکیل‌دهنده آن است که در قالب ابعاد، انواع، سطوح، رویکردها، گونه‌ها، و ویژگی‌ها بررسی شده است. علل غایی سرمایه اجتماعی نیز همان اغراض نهایی و کارکردهای سرمایه اجتماعی (چه برای فرد چه برای اجتماع) است. علل صوری سرمایه اجتماعی، که با عنوان «چگونگی عملکرد و مکانیسم تأثیر» از آن‌ها یاد شده، در دو زیرگروه: ۱. سازوکار عملکرد و مکانیسم تأثیرات و ۲. کارکردهای منفی، طبقه‌بندی و کاویده شده‌اند. و سرانجام علل فاعلی که «چگونگی ایجاد» سرمایه اجتماعی را از پنج حیث - زمینه‌ها، عوامل، روش‌ها، پیشران‌ها، موانع - بررسی کرده مورد احصا و مذاقه قرار گرفته است. بدین منظور با مراجعه به کتب و مقالات مطرح در موضوع پژوهش و کدگذاری محتوای آن‌ها نخست مفاهیم و مقولات کلیدی شناسایی شد (مطابق پیوست شماره ۱) [۲] و سپس، بر مبنای مفاهیم و مضامین حاصله، شبکه مضامین در هر یک از علل چهارگانه به تفکیک ترسیم شد (به عبارت دیگر، نخست جملاتی که حاوی گزاره واحدند به یک «کد» تبدیل و کدهای مشابه ذیل یک «مفهوم» طبقه‌بندی شدند و سپس مفاهیم هم‌سنخ در قالب یک «مضمون» تبلور یافتند. برخی مضامین به دست‌آمده ممکن است در گام بعد ذیل مضمون کلان‌تر گرد آمده باشند و در مرحله پایانی ارتباط مضامین نهایی با یک‌دیگر در قالب تصویر ترسیم شده است). در جدول ۱، نمونه‌ای از این کدگذاری می‌آید.

گفتنی است محتویات و عناوین و موقعیت مضامین در این دو گام بنا به ضرورت دستخوش تغییر شده و بده - بستانی مستمر میان این مراحل وجود داشته است. در پایان نیز این چهار دسته علت، مطابق منطق شکل ۱، ذیل الگویی نظام‌مند، با یک‌دیگر ترکیب شده و الگوی سیستمی سرمایه اجتماعی (به‌مثابه سیستم «تعاملات اجتماعی» جامعه) را تشکیل داده‌اند.

جدول ۱. نمونه‌ای از کدگذاری داده‌ها

شبکه اجتماعی بر پایه بازار شبکه اجتماعی	شبکه اجتماعی بر پایه روابط سلسله‌مراتبی	شبکه اجتماعی
آدلر و کون (۲۰۰۲: ۱۸؛ به نقل از بنائی، ۱۳۹۴) بر اهمیت تمایز بین شبکه‌های اجتماعی بر پایه روابط بازار، شبکه‌هایی که بر پایه روابط سلسله‌مراتبی هستند، و شبکه‌هایی که بر پایه روابط اجتماعی هستند تأکید می‌کند - سرمایه اجتماعی چیزی نیست که می‌دانید. سرمایه اجتماعی کسی است که می‌شناسید (شجاعی و همکاران ۱۳۸۷: ۸۶؛ به نقل از وولکاک (۲۰۰۰) - سه نوع ایده‌آل شبکه‌های سرمایه اجتماعی عبارت‌اند از: ۱. اقتصادی: شبکه‌هایی که با ملاحظات اقتصادی برانگیخته می‌شوند؛ ۲. جایگاه اجتماعی: شبکه‌هایی که با ملاحظات حسن شهرت برانگیخته می‌شوند؛ ۳. جامعه‌پذیری: شبکه‌هایی که بنا به انگیزه‌های بشردوستانه یا خاص برانگیخته می‌شوند. گونه‌های شبکه‌های اجتماعی که می‌توانند دربردارنده سرمایه اجتماعی باشند نامحدود است و شبکه‌های مبتنی بر خانواده، فامیل، اقوام سببی، دوستان و آشنایان، همسایگان، همکاران، افرادی که در خلال گروه‌های مدنی یا پیوندی سازمانی می‌شناسید، و ... را دربرمی‌گیرد (شجاعی و همکاران ۱۳۸۷: ۲۷۶؛ به نقل از استون، بی‌تا).	مبنای سه‌گانه شبکه‌های اجتماعی	



شکل ۱. ارتباط الگوی سیستمی با علل اربعه

یافته‌های تحقیق

چیستی (علل مادی) سرمایه اجتماعی

در ادامه، شبکه مضامین معرفی‌کننده چیستی مفهوم سرمایه اجتماعی به نمایش درمی‌آید (شکل ۴). بنا بر نگرش سیستمی، یک سیستم، خود، زیرمجموعه سیستمی بزرگ‌تر است که ابرسیستم^۱ نام دارد. بنابراین، کارکرد آن باید در ارتباط با سایر سیستم‌های مرتبط (که در واقع اجزای تشکیل‌دهنده آن

1. supra system

ابرسیستم‌اند) و نیز در بستر و زمینه قرارگیری آن بررسی شود. سرمایه اجتماعی نیز به‌مثابه سیستم تعاملات اجتماعی لازم است از یک سو در بستر محیط سیاسی، قانونی، فرهنگی، و اجتماعی جامعه و از سوی دیگر در ارتباط با مفاهیم تأثیرگذار بر آن مطالعه شود (شکل ۲).

از میان چهار رویکرد مطرح در مطالعه سرمایه اجتماعی (اجتماع‌گرا^۱، شبکه‌ای^۲، نهادی^۳، هم‌افزا^۴)، رویکرد اجتماع‌گرا فقط به شبکه‌های ارتباطات اجتماعی به صورت منفرد و مجزاً از یک‌دیگر، یعنی صرفاً به کمیت و کیفیت تعاملات میان انسان‌های درون یک شبکه، پرداخته و مفهوم سرمایه اجتماعی را به درون این روابط محدود می‌داند. بنابراین، به ارتباطات میان‌شبکه‌ای و نیز بستر نهادی و محیطی سرمایه اجتماعی وقعی نمی‌نهد. این رویکرد میزان سرمایه اجتماعی جامعه را برابر با جمع جبری تعداد شبکه‌های اجتماعی موجود در آن به شمار می‌آورد و البته بر بزرگی و تراکم این شبکه‌ها نیز تأکید می‌کند. به نظر می‌رسد این رویکرد انسان را موجودی مدنی بالطبع می‌داند و برای روابط اجتماعی انسان‌ها ارزش ذاتی قائل است. ازین‌رو، ایجاد شبکه‌های اجتماعی غیررسمی (انجمن‌ها، گروه‌های مدنی، سازمان‌های محلی، و ...) را مفید و مطلوب معرفی می‌کند و آن را موجب ارتقای سرمایه اجتماعی می‌شمارد.

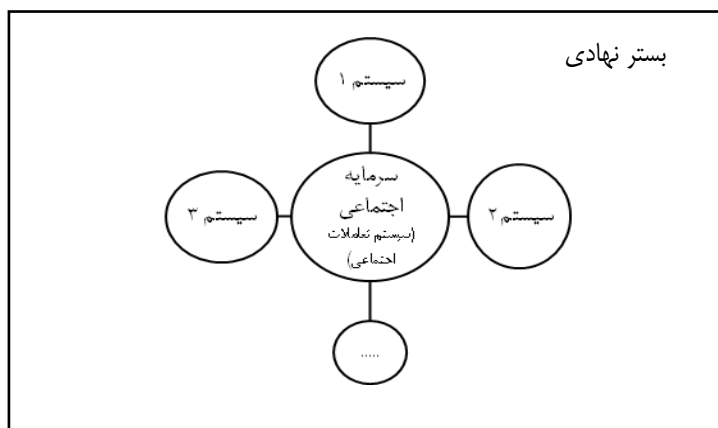
رویکرد شبکه‌ای دایره‌ای وسیع‌تر دارد و علاوه بر انجمن‌های افقی مدنی، انجمن‌های عمودی، گروه‌ها و سازمان‌های رسمی، و نیز ارتباطات میان شبکه‌ها را مدنظر قرار می‌دهد؛ ضمن آنکه، برخلاف رویکرد اجتماع‌گرا، بین کارکردهای مطلوب و نامطلوب سرمایه اجتماعی تمیز قائل می‌شود و آن را فاقد حسن ذاتی می‌داند.

از منظر دیدگاه نهادی، نیروهای حیاتی شبکه‌های اجتماعی و جامعه مدنی عمدتاً محصول بستر سیاسی، حقوقی، فرهنگی، و اقتصادی جامعه است و برخلاف دو دیدگاه قبلی (که سرمایه اجتماعی را یک متغیر مستقل مطرح می‌کردند) دیدگاه نهادی به سرمایه اجتماعی به‌مثابه متغیر وابسته می‌نگرد. استدلال این رویکرد این است که قابلیت گروه‌های اجتماعی برای اقدام در جهت

-
1. communitarian
 2. network
 3. institutional
 4. synergic

منفعت جمعی‌شان بر پایه کیفیت نهادهای رسمی‌ای تعیین می‌شود که این گروه‌ها را در خود جای داده‌اند (شجاعی و همکاران ۱۳۸۷: ۹۳ - ۱۰۸).

به نظر می‌رسد دیدگاه هم‌افزا، همان‌طور که از اسمش برمی‌آید، بیشترین همخوانی و تناسب را با نگرش سیستمی دارد. زیرا همانند دیدگاه اجتماع‌گرا بر ساختار سیستمی شبکه‌ها، همانند دیدگاه شبکه‌ای بر ارتباطات میان‌شبکه‌ای، و همانند دیدگاه نهادی بر زمینه و بستر (یا به تعبیر سیستمی آن: محیط) شکل‌گیری سرمایه اجتماعی به طور توأمان توجه می‌کند. با این اوصاف، صحبت از «سطوح» مختلف سرمایه اجتماعی - که شامل سه سطح: ۱. سطح خرد: قابلیت انفرادی افراد (در عضویت و مشارکت در یک شبکه اجتماعی)؛ ۲. سطح میانی: چند و چون تعاملات اجتماعی و ساختار سیستمی شبکه درونی ارتباطات بین افراد و ساختاربنندی میان شبکه‌های مختلف؛ و ۳. سطح کلان: بستر نهادی ظهور سرمایه اجتماعی و نیز تعاملات شبکه‌ها با محیطشان است - فقط در رویکرد هم‌افزا امکان‌پذیر است.



شکل ۲. سیستم‌های متعامل با سیستم سرمایه اجتماعی در یک بستر نهادی

در سطح میانی مفهوم سرمایه اجتماعی یا همان سطح تعاملات اجتماعی از ساختار سیستمی سرمایه اجتماعی (ارتباطات نظام‌مند درون سیستم) صحبت می‌شود. عناصر اصلی این سیستم در سه بعد (شناختی، ارتباطی، ساختاری) ساختار یافته‌اند. بعد شناختی^۱ از دو مؤلفه تشکیل شده است: ۱.

1. cognitive

«ادراک واحد» اعضای یک شبکه از اهداف مشترک آن شبکه؛ و ۲. ارزش‌های حاکم بر آن شبکه. بعد ارتباطی^۱ پنج مؤلفه دارد: ۱. انتظارات و تعهدات مشترک و متقابل؛ ۲. جامعه‌پذیری؛ ۳. اعتماد؛ ۴. حسن تعلق؛ و ۵. قواعد و هنجارها. البته در این بین «اعتماد» نقشی پررنگ‌تر از بقیه دارد؛ طوری که به جرئت می‌توان گفت اعتماد مؤلفه کلیدی سرمایه اجتماعی است. زیرا اعتماد پایه اصلی نظم اجتماعی است. اجتماعات به اعتماد متقابل وابسته‌اند و بدون آن خودبه‌خود به وجود نمی‌آیند (فوکویاما ۱۹۹۵: ۲۵).

بعد ساختاری^۲ از چهار مؤلفه تشکیل یافته است: ۱. شبکه‌ها؛ ۲. ساختارها؛ ۳. کانال‌های اطلاعات؛ و ۴. بده - بستان. شبکه‌ها ایده مرکزی نظریه سرمایه اجتماعی‌اند (پاتنام ۲۰۰۰: ۱۸ - ۱۹). در برخی منابع، به‌ویژه مبتنی بر دیدگاه‌های بوردیو و کلمن، «بده - بستان» را در مقابل «قواعد و هنجارها» فلسفه اصلی شکل‌گیری سرمایه اجتماعی به شمار آورده‌اند. یعنی شبکه اجتماعی به قصد دستیابی راحت‌تر اعضا به منافعشان ایجاد می‌شود. اما به نظر می‌رسد این دو مفهوم لزوماً در مقابل هم نیستند و ممکن است در کنار هم تشکیل‌دهنده فلسفه وجودی سرمایه اجتماعی باشند. یعنی هم قواعد و هنجارهای حاکم بر شبکه مولد آن باشند هم این شبکه در خدمت به‌اشتراک‌گذاری منابع میان اعضا و تسهیل در دستیابی آن‌ها به منابع مشترکشان قرار گیرد.

این تعاملات اجتماعی در سه نوع متفاوت بروز و ظهور می‌یابند: ۱. سرمایه اجتماعی پیوندی^۳، که به روابط درون گروه‌های همگن (همانند درون سازمان‌های اخوت، بین قلمروهای قومی، در باشگاه‌ها) اشاره می‌کند. این نوع سرمایه اجتماعی داخلی است. زیرا فقط شامل افراد سازمان‌های خاص (مثل سازمان ملی زنان) می‌شود و از آنجا که با دیگر سازمان‌ها پیوستگی ندارند انحصاری است (پاتنام ۲۰۰۰). سرمایه اجتماعی پیوندی همچنین بر پیوندهای نزدیکی که مردم نوعاً برای گذران روزمره خود به آن‌ها تکیه می‌کنند اشاره می‌کند؛ ۲. سرمایه اجتماعی پل‌زننده^۴، که با دارایی‌های بیرون از شبکه ارتباط و برای توزیع اطلاعات کاربرد دارد و بر پیوندهای ضعیف^۵ مبتنی است. این گونه پیوندهای ضعیف با منابع متنوع ممکن است در مقایسه با پیوندهای قوی‌تر با

1. communicative
2. structural
3. bonding
4. bridging
5. weak tie

اقوام و دوستان نزدیک عملاً برای افرادی که در جهت پیشرفت تلاش می‌کنند با ارزش‌تر باشد (مثلاً در شکار یک فرصت شغلی). در واقع سرمایه اجتماعی پل‌زننده به تنوع در روابط میان انواع مختلف شبکه‌ها اشاره می‌کند؛ ۳. سرمایه اجتماعی ارتباطی^۱. اگرچه برخی این گونه سرمایه اجتماعی را نوعی از سرمایه اجتماعی پل‌زننده می‌دانند، سرمایه اجتماعی ارتباطی (برخلاف پل‌زننده که به ارتباطات دوسویه افقی توجه دارد) بُعد عمودی سرمایه اجتماعی را شکل می‌دهد و به پیوند بین لایه‌های ثروت و جایگاه اجتماعی اشاره می‌کند (شجاعی و همکاران ۱۳۸۷: ۴۸؛ به نقل از جمعی از نویسندگان، بی‌تا).

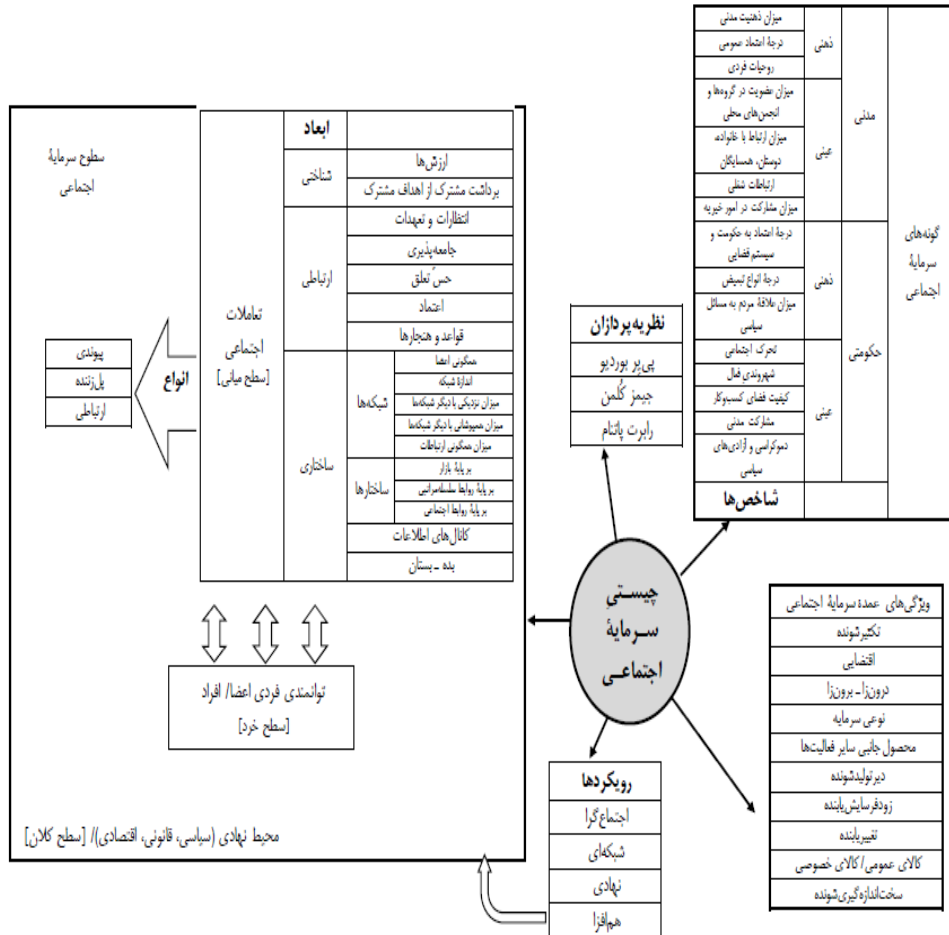
به نظر می‌رسد این سه نوع مختلف از تعاملات اجتماعی (پیوندی، پل‌زننده، ارتباطی) [۳] با سطوح مختلف سیستم سرمایه اجتماعی تناظر داشته باشند؛ بدین نحو که تعاملات پیوندی با سطح میانی سرمایه اجتماعی، از سنخ درون‌شبکه‌ای، تعاملات پل‌زننده با سطح میانی سرمایه اجتماعی، از سنخ میان‌شبکه‌ای، و تعاملات ارتباطی با سطح کلان سرمایه اجتماعی، از سنخ برون‌شبکه‌ای، متناظر باشند (شکل ۳).

نوع دیگری از طبقه‌بندی انواع سرمایه اجتماعی تفکیک آن به دو گونه است: ۱. مدنی؛ و ۲. حکومتی. در حقیقت، بین سرمایه اجتماعی حکومتی (مثلاً اجرای قراردادهای اجتماعی، حاکمیت قانون، گسترش آزادی‌های مدنی، و ...) و سرمایه اجتماعی مدنی (مثلاً ارزش‌های فراگیر، سنت‌های مشترک، هنجارها، شبکه‌های غیررسمی، عضویت در انجمن‌ها، و ...) تمایز وجود دارد (کالی پر ۱۹۹۸). بر مبنای همین گونه‌بندی می‌توان شاخص‌های سنجش سرمایه اجتماعی را نیز در دو گروه مجزا تقسیم کرد.

نوع سرمایه اجتماعی	سطحی از سرمایه اجتماعی که با آن متناظر است
پیوندی	سطح میانی (تعاملات درون‌شبکه‌ای)
پل‌زننده	سطح میانی (تعاملات میان‌شبکه‌ای)
ارتباطی	سطح کلان (تعاملات برون‌شبکه‌ای)

شکل ۳. ارتباط «سطوح» و «انواع» سرمایه اجتماعی

1. linking



شکل ۴. شبکه مضامین مرتبط با چپستی سرمایه اجتماعی

از آنجا که نهاد «حکومت» یکی از عناصر اصلی محیط حاکم بر سیستم تعاملات اجتماعی (سرمایه اجتماعی) جامعه است، به نظر می‌رسد گونه حکومتی سرمایه اجتماعی در واقع از ارتباط بین این سیستم با بخشی^۱ از محیطش حکایت دارد. متمایز ساختن این عنصر از محیط سیستم (حکومت) از یک سو به دلیل اهمیت زیاد آن در نحوه شکل‌گیری و انباشت و به‌کارگیری سرمایه

اجتماعی و از سوی دیگر به سبب نفوذ مفهوم سرمایه اجتماعی در مبحث مدیریت دولتی و به‌ویژه مباحث حکمرانی و خط‌مشی‌گذاری عمومی است. با این وصف شایسته است گونه حکومتی سرمایه اجتماعی را صرفاً با نوع ارتباطی سرمایه اجتماعی متناظر و مرتبط دانست.

چگونگی ایجاد (علل فاعلی) سرمایه اجتماعی

مطابق با نظر کلمن، سرمایه اجتماعی به شکل مفهومی تعریف شده که می‌توان آن را برای محیط‌های مختلف و جمعیت‌های متفاوت به کار برد و البته در هر محیطی روابط را باید در قالب ماهیت دوسویه‌شان درک کرد (شجاعی و همکاران ۱۳۸۷: ۵۷؛ به نقل از شافر ۲۰۰۴).

در شکل ۵، شبکه مضامین مرتبط با چگونگی ایجاد سرمایه اجتماعی به نمایش درمی‌آید. در این شبکه، علل ایجاد سرمایه اجتماعی در پنج دسته مجزا شده‌اند: ۱. زمینه‌ها؛ ۲. عوامل؛ ۳. روش‌ها؛ ۴. پیشران‌ها؛ و ۵. موانع.

اول. «زمینه‌ها»ی ایجاد سرمایه اجتماعی در هر جامعه یا اجتماع شامل سه گروه عمده می‌شود: نخست، «زمینه‌سازی فرهنگی» که عبارت است از درونی کردن ارزش‌ها و هنجارهای جامعه‌گروی میان مردم. از آنجا که وجود یک شبکه مشخص می‌تواند ناشی از انگیزه‌های هنجاری یا خاص باشد، نه صرفاً منفعت شخصی بازیگران (شجاعی و همکاران ۱۳۸۷: ۱۵۵، به نقل از براون، بی‌تا)، عینیت یافتن ارزش‌ها و هنجارهای درونی‌شده [در خصوص جامعه‌گروی] می‌تواند فرد را به ایجاد پیوندهای اجتماعی یا انتقال منابع به دیگران تشویق کند (پورتس ۱۹۹۵: ۱۵). دوم، «زمینه‌سازی مدنی» که شامل ایجاد آمادگی اجتماعی و نیز افزایش فضاهای عمومی است. و سوم، «زمینه‌سازی رسمی» که بر حمایت‌های دولتی و حکومتی، اصلاح ساختارهای قدرت، و بسط دموکراسی تأکید می‌کند [۴].

دوم. «عوامل» اصلی ایجاد سرمایه اجتماعی عبارت‌اند از توان درونی افراد در مشارکت، تمایل درونی افراد به جامعه‌گروی، صرف منابع، و به‌ویژه وجود اعتماد در فضای عمومی.

سوم. اهم «روش‌ها»ی ایجاد و ارتقای سرمایه اجتماعی را می‌توان در ده شماره فهرست کرد:

۱. درونی‌سازی فردی قواعد و هنجارها و انتظارات متقابل: [در فرایند ایجاد همبستگی گروهی] اعضایی که به هم پیوسته‌اند باید قواعد و فرایندهایی را اتخاذ کنند تا در طول زمان

نهادینه شوند. با درونی کردن قواعد و فرایندها، اعضا رفتار خود را به گونه‌ای تعدیل می‌کنند که دیگران انتظار آن را دارند. این ساخت سرمایه اجتماعی از قواعد غیررسمی و انتظارات متقابل گسترش فعالیت‌های گروهی به فضاهای دست‌نخورده پیشین را تسهیل می‌کند (هچر ۱۹۸۷). همچنین از نظر فوکویاما سرمایه اجتماعی بر پایه هنجارها و ارزش‌های مشترک در یک اجتماع و همچنین بر تمایل به جایگزینی منافع شخصی با منافع گسترده‌تر جمعی استوار است (فوکویاما ۱۹۹۵: ۲۶). بورديو نیز توضیح می‌دهد که افراد نباید فقط به رابطه داشتن با دیگران اکتفا کنند؛ بلکه باید بدانند این شبکه‌ها چگونه عمل می‌کنند و چگونه می‌توان این روابط را در طول زمان حفظ کرد و از آن‌ها بهره‌گرفت (بورديو ۱۹۸۴). شایان توجه است که فرایند درونی کردن قواعد و هنجارها، که اینجا بدان اشاره شده، برخلاف مورد بعدی (جامعه‌پذیرسازی)، فرایندی خودآگاه و ارادی (و نه محصول جبر محیطی) است که بر انتخاب آزاد و تمایل شخصی افراد مبتنا دارد.

۲. جامعه‌پذیرسازی^۱ افراد جامعه (به‌ویژه نسل نو): تولید و بازتولید سرمایه اجتماعی نیازمند تلاش یا سرمایه‌گذاری دائمی در زمینه جامعه‌پذیری^۲ است (شجاعی و همکاران ۱۳۸۷: ۳۷، به نقل از جمعی از نویسندگان، بی‌تا). جامعه‌پذیری یا اجتماعی شدن از نظر لغوی به معنای انطباق با جامعه و آشنا شدن با جامعه است (حق‌شناس ۱۳۸۷: ۸۴۲). در جامعه‌شناسی این مفهوم به فرایندی اطلاق می‌شود که به موجب آن افراد ویژگی‌هایی را کسب می‌کنند که شایسته عضویت آن‌ها در جامعه است (اسکروتون ۲۰۰۷: ۶۴۹). به عبارت دیگر جامعه‌پذیری نوعی فرایند کنش متقابل اجتماعی است که در خلال آن فرد هنجارها، ارزش‌ها، و دیگر عناصر اجتماعی و فرهنگی و سیاسی موجود در گروه یا محیط پیرامون خود را فرامی‌گیرد، درونی می‌کند، و آن را با شخصیت خود یگانه می‌سازد (سلیمی و همکاران ۱۳۸۵: ۱۴۴).

۳. تعاملات یادگیری: انباشت سرمایه اجتماعی نتیجه فرایند تعاملات یادگیری است. طراحی و اجرای پروژه‌های اجتماع می‌تواند بسان یک تعامل یادگیری باشد (فالک و کیل‌پاتریک ۱۹۹۹).

۴. ایجاد و ارتقای فعالیت‌های مشارکتی: سرمایه اجتماعی صرفاً به دست مجموعه‌ای از افراد

1. socialization

2. sociability

(و نه یک فرد یا افراد مجزاً) حاصل می‌شود. پس، مستلزم شکلی از همکاری بین آن‌هاست (شجاعی و همکاران ۱۳۸۷: ۲۴۷، به نقل از گروتثرت ۱۹۹۸). بهترین شبکه‌ها از حیث ایجاد سرمایه اجتماعی شبکه‌های روابط افقی هستند که در آن‌ها بازیگران از نظر قدرت و جایگاه اجتماعی در یک سطح قرار دارند. هر چه انجمن‌های مدنی افقی بیشتر باشند مردم تمایل بیشتری به همکاری و نفع جمعی پیدا می‌کنند (پاتنام ۱۹۹۳: ۱۶۷). به طور کلی، مواردی که در ارتقای مشارکت مؤثرند عبارت‌اند از: ۱. انگیزش (اینکه هوش انتقادی مردم محلی برانگیخته شود تا آن‌ها مسائلمان را به زبان خودشان توضیح دهند)؛ ۲. ساختاردهی: ایجاد انسجام و همبستگی درونی بین مردم؛ ۳. تسهیل: در اختیار گذاردن منابع و انتقال مهارت‌ها به افراد؛ ۴. واسطه‌گری: برقراری تماس با خدمات موجود و آشنا کردن مردم با فرایندها و سازوکارهای تعامل با این خدمات؛ ۵. ایجاد ارتباط بین مردم؛ و ۶. دست کشیدن از مداخلات بیرونی فزاینده زاید (اوآکلی و همکاران ۱۹۹۱).

۵. ایجاد و توسعه گروه‌ها و انجمن‌ها: پاتنام، در مبحث ایجاد سرمایه اجتماعی، بر نقش فعالیت‌های انجمنی و گروهی‌ای تأکید می‌کند که مکرر اقوام و آشنایان دور را گرد هم می‌آورند (شجاعی و همکاران ۱۳۸۷: ۴۱؛ به نقل از جمعی از نویسندگان، بی‌تا). انجمن‌های افقی که از طریق تقسیم منصفانه قدرت بین اعضا شکل گرفته‌اند در ایجاد سرمایه اجتماعی موفق‌ترند. زیرا اعضا، از آنجا که فرصت بهتری دارند تا به صورت عادلانه از منافع بهره‌مند شوند، برای ایفای نقش تمایل بیشتری نشان می‌دهند (شجاعی و همکاران ۱۳۸۷: ۲۴۷، به نقل از گروتثرت ۱۹۹۸). اگر انجمن‌های جامعه مدنی گسترش یابند، عضویت در گروه‌ها همپوشانی پیدا می‌کند و مشارکت به حوزه‌های متعدد زندگی اجتماعی تسری می‌یابد (پاتنام ۱۹۹۳: ۱۸۳).

۶. توجه به نهاد خانواده: کلمن بر نقش اصلی ساختارهای سنتی خانواده ... در ایجاد سرمایه اجتماعی تأکید می‌کند (شجاعی و همکاران ۱۳۸۷: ۳۹، به نقل از جمعی از نویسندگان، بی‌تا).

۷. حفظ ساختارهای سنتی مشارکت مذهبی: کلمن بر نقش اصلی ساختارهای سنتی و مشارکت مذهبی در ایجاد سرمایه اجتماعی تأکید می‌کند (شجاعی و همکاران ۱۳۸۷: ۳۹، به نقل از جمعی از نویسندگان، بی‌تا). نمونه موفق این‌گونه ساختارها در جامعه ایران را می‌توان در مساجد و هیئت‌های مذهبی، به‌ویژه در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ شمسی، سراغ گرفت.

۸. ایجاد فضای باز سیاسی: از راه‌های پیش روی حکومت برای ایجاد اعتماد به نهادهای عمومی ایجاد فضای گفت‌وگو بین اعضای جامعه و تبادل نظر در خصوص تغییرات سیاسی مهم است (شجاعی و همکاران ۱۳۸۷: ۲۲۴، به نقل از ریزر و همکاران ۲۰۰۱).

۹. همکاری اجتماعی اجباری: «اجبار» در این گونه همکاری‌ها دو معنی متفاوت می‌تواند داشته باشد: یکی اجبار به معنی اضطرار، یعنی اینکه افراد به شبکه‌های غیررسمی متوسل می‌شوند و از این طریق به گسترش همکاری اجتماعی برای جبران ناکامی سازمان‌های رسمی می‌پردازند (رز، ۱۹۹۹) - مانند تشکیل صندوق‌های قرض‌الحسنه خانوادگی - و دوم اجبار خاص کج‌روان و بزهکاران - مانند تشکیل گروه‌های ترک اعتیاد.

۱۰. کمک گرفتن از مجریان محلی و پیمان‌کاران بومی: برای اجرای پروژه‌ها باید از انجمن‌ها و سازمان‌های محلی استفاده کرد. این کار اثربخشی را افزایش و هزینه پروژه‌ها را کاهش می‌دهد و نهادهای مشارکت‌کننده می‌توانند به سبب فعالیتشان تقویت شوند و به این ترتیب سرمایه اجتماعی را افزایش دهند (شجاعی و همکاران ۱۳۸۷: ۲۷۰، به نقل از گروتثرت ۱۹۹۸). گفتنی است ایجاد گروه‌های محلی، بدون در نظر گرفتن نیاز واقعی به آن گروه‌ها در محل، یک اشتباه رایج در سیاست‌گذاری‌هاست (مونکر ۱۹۷۹).

چهارم. مواردی که سبب جهش در تولید سرمایه اجتماعی می‌شوند - که در این تحقیق از آن‌ها به «پیشران»های سرمایه اجتماعی تعبیر شده - عبارت‌اند از: ۱. اقتصاد موفق: ایجاد سرمایه اجتماعی در اقتصادهای موفق آسان‌تر است. به نظر می‌رسد رشد اقتصادی سریع‌تر و مشارکت بالاتر در سازمان‌های مدنی نتایج مشترک پیشرفت مطلوب در اصلاحات سیاسی و اقتصادی است (شجاعی و همکاران ۱۳۸۷: ۱۷۴، به نقل از ریزر و همکاران ۲۰۰۱)؛ ۲. به‌کارگیری مستمر سرمایه اجتماعی: یکی از اصول کلیدی نظریه سرمایه اجتماعی این است که «آن را از دست می‌دهید، مگر آنکه از آن استفاده کنید» (شجاعی و همکاران ۱۳۸۷: ۳۱۷، به نقل از استون، بی‌تا). ۳. توسعه پیوندهای خارج از شبکه: گرانووتر (۱۹۷۳) بر آن است که اطلاعات درون شبکه محلی عموماً به شکلی گسترده در شبکه توزیع شده است. بنابراین اکثر تماس‌های محلی واحد، تکراری و بی‌فایده

است. اطلاعات جدید از پیوندهای جدید و غیرتکراری، ضمن پیوندهای ضعیف واحد با نقاط دور از شبکه محلی (مثلاً در محیط ملی و حتی بین‌المللی)، حاصل می‌شود.

پنجم. «موانع» ایجاد، انباشت، و توسعه سرمایه اجتماعی عبارت‌اند از: ۱. مشارکت زنان در بازار کار: که سبب کاهش تعداد اعضای انجمن‌های اولیا و مربیان، دوری از خانواده، کاهش تفریحات در فضای باز، و ... شده است (شجاعی و همکاران ۱۳۸۷: ۳۴۷، به نقل از پونیکس ۲۰۰۴)؛ ۲. تحرک فزاینده: افراد چنان سریع در رفت‌وآمدند که وقتی برای تعامل ندارند؛ ۳. تغییرات متعدد جمعیت‌شناختی: مثلاً مغازه‌های کوچک جای خود را به سوپرمارکت‌ها و سپس به تجارت الکترونیکی داده‌اند (شجاعی و همکاران ۱۳۸۷: ۳۴۷، به نقل از پونیکس ۲۰۰۴) و در نتیجه فضای تعاملات رودررو و چهره‌به‌چهره کاهش یافته است؛ ۴. تکنولوژی‌های جدید: که به خصوصی شدن اوقات فراغت منجر می‌شود (شجاعی و همکاران ۱۳۸۷: ۳۴۷، به نقل از پونیکس ۲۰۰۴). ۵. مهاجرت به شهر: یک راه توسعه مهاجرت گسترده از روستا به شهر است که - در عین حال - خطر فرسایش سرمایه اجتماعی را به دنبال دارد (شجاعی و همکاران ۱۳۸۷: ۲۴۲، به نقل از گروتثرت ۱۹۹۸)؛ ۶. کاهش فعالیت در انجمن‌ها: مثلاً سرمایه اجتماعی امریکا به سبب کاهش فعالیت در انجمن‌ها، ناشی از یک جهش نسلی و ظهور تلویزیون و افزایش زمان صرف‌شده برای رفت‌وآمدهای مکرر، در حال زوال طولانی‌مدت است (شجاعی و همکاران ۱۳۸۷: ۴۱، به نقل از جمعی از نویسندگان، بی‌تا)؛ ۷. تبعیض اجتماعی: مثلاً طبق تحقیقات به‌عمل‌آمده، بین نابرابری درآمدی و سرمایه اجتماعی همبستگی منفی وجود دارد (شجاعی و همکاران ۱۳۸۷: ۲۲۴، به نقل از ریزر و همکاران ۲۰۰۱)؛ ۸. گرایش‌های تعصب‌آمیز حکومتی: حکومت‌ها باید از گرایش‌های تعصب‌آمیز در کشورهایشان، که به وخامت بیشتر شکاف‌های اجتماعی و در نتیجه تضعیف اعتماد (و مآلاً کاهش سرمایه اجتماعی) می‌انجامد، دوری کنند (شجاعی و همکاران ۱۳۸۷: ۲۲۴، به نقل از ریزر و همکاران ۲۰۰۱)؛ ۹. تعارضات قومی: یکی از مشکلات اجتماعی مختل‌کننده تعارضات قومی است که سرمایه اجتماعی را متلاشی می‌کند. جوامعی که از لحاظ قومیتی ناهمگون‌اند مستعد رفتارهای رانت‌جویانه رقابتی از طرف گروه‌های قومی مختلف‌اند و به‌سختی در مورد کالاهای عمومی - مانند آموزش، زیرساخت، سیاست‌گذاری مطلوب - به توافق می‌رسند (استیرلی و لوین

۱۹۹۵؛ ۱۰. مداخلات حکومتی / دولتی: مداخله دولتی، آن‌گاه که از نقش اصلی‌اش در اعمال کردن حقوق دارایی و حفظ نظم عمومی فراتر می‌رود، به مخرب‌ترین عامل سرمایه اجتماعی تبدیل می‌شود (شجاعی و همکاران ۱۳۸۷: ۳۵۶، به نقل از پونیکس ۲۰۰۴).

چگونگی عملکرد و سازوکار تأثیر (علل صوری) سرمایه اجتماعی

شکل ۶ شبکه مضامین مرتبط با چگونگی عملکرد و سازوکار تأثیر (علل صوری) سرمایه اجتماعی را نشان می‌دهد. همان‌طور که دیده می‌شود مکانیسم‌های مطلوب عملکرد و نحوه تأثیر سازنده سرمایه اجتماعی جهت دستیابی به اهداف غایی‌اش، از شش حیث قابل دسته‌بندی است: ۱. منبع‌یابی - لجستیک؛ ۲. روانی - فرهنگی؛ ۳. اطلاعاتی - تصمیم‌گیری؛ ۴. ساختاری؛ ۵. عملیاتی - اجرایی؛ و ۶. کنترلی.

سرمایه اجتماعی، در کنار کارکردهای مثبت، ممکن است کارکردهای منفی و نامطلوب نیز داشته باشد. به عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی می‌تواند بازده‌های مثبت یا حتی منفی تولید کند (شجاعی و همکاران ۱۳۸۷: ۲۱؛ به نقل از هابز ۲۰۰۰). کارکردهای منفی در شکل ۷ می‌آید.



شکل ۵. شبکه مضامین مرتبط با چگونگی ایجاد (علل فاعلی) سرمایه اجتماعی

شبکه مضامین مرتبط با چگونگی عملکرد و سازوکار تأثیر (علل صوری) سرمایه اجتماعی					
منبع‌یابی - لجستیک	روانی - فرهنگی	اطلاعاتی - تصمیم‌گیری	ساختاری	اجرایی - عملکردی	کنترلی
جانشین یا مکمل انواع دیگر سرمایه	ایجاد همبستگی	تسهیل پیش‌بینی تعارضات آتی	تسهیل مشارکت و همکاری	استفاده بهتر از فرصت‌ها	کاهش نیاز به کنترل رسمی
عامل کسب انواع دیگر سرمایه	تمهید بیمه غیررسمی	تسهیل تبادل اطلاعات	زمینه‌ساز گفت‌وگو بین افراد/ گروه‌ها	جهت حل تعارضات مناسب	ارتقای توانایی نظارت جامعه بر دولت
کاهش هزینه‌های معامله	کمک به هویت‌مندی مشترک	ابزاری برای خطامشی‌گذاری عمومی	تسهیل کنش‌های هماهنگ	مکمل بودن مردم و حکومت	کاستن از رفتارهای فرصت‌طلبانه
مدیریت جمعی منابع	ایجاد حسن‌هدف‌مندی مشترک	تسهیل انتشار نوآوری	ایجاد فضای ابراز مخالفت	جایگزینی برای قراردادهای	کنترل جمعی
بسیج سایر منابع	تشویق شهروندی مسئولیت‌پذیر	کاهش مشکل کمبود اطلاعات	تأثیر بر ساختارهای قدرت	افزایش کیفیت آموزش	—
تبدیل شدن به انواع دیگر سرمایه	کمک به ایجاد اجماع	کاهش هزینه‌های کسب اطلاعات	کمک به برقراری ارتباطات شهروندان و مقامات دولتی	—	—
—	افزایش انگیزه	افزایش افشای اطلاعات	تعیین شیوه تعامل کنشگران	—	—
—	حمایت روان‌شناختی و اجتماعی	چارچوبی برای تصمیم‌سازی جمعی	تسهیل ارتباطات	—	—

شکل ۶. شبکه مضامین مرتبط با چگونگی عملکرد و سازوکار تأثیر (علل صوری) سرمایه اجتماعی

کارکردهای منفی سرمایه اجتماعی	
تحمیل هزینه به دیگران	
محملی برای پارتی‌بازی	
سواری رایگان	
مقابله با مشارکت مدنی	
تبعیض در مشارکت	
جنسیتی	تبعیض برای افراد بیرون شبکه
جغرافیایی	
قومیتی	
محدود کردن دیدگاه اعضا	
محدود کردن آزادی‌های فردی	
محدود کردن خلاقیت‌های فردی	

شکل ۷. کارکردهای منفی و آثار نامطلوب سرمایه اجتماعی

کژکارکردهای^۱ سرمایه اجتماعی را به طور عمده در دو دسته می‌توان طبقه‌بندی کرد:

۱. کژکارکردهایی که برای اعضای گروه زیانبار است: سرمایه اجتماعی قوی در یک گروه/جامعه باعث می‌شود حس تعلق افراد آن گروه یا جامعه مانع دگراندیشی آنان شود و در نتیجه گروه‌اندیشی^۲ آرا و دیدگاه‌هایشان شبیه هم و محدود شود. به علاوه، این تفکر غالب و ارزش‌های همگرا راه بروز و ظهور خلاقیت‌های فردی را سد و از سوی دیگر آزادی‌های آن‌ها را محدود می‌کند. پدیده «سواری گرفتن رایگان»^۳ نیز از همین آثار منفی است که بر اساس آن برخی اعضای گروه در پرتو تمسک به انسجام و اتحاد گروهی، بدون آنکه هزینه عضویت در گروه را بپردازند، از مزایای عضویت در گروه استفاده می‌کنند.

۲. کژکارکردهایی که برای افراد خارج از گروه زیانبار است: پیوند قوی درون‌گروهی/درون‌سازمانی ناشی از سرمایه اجتماعی زیاد یک گروه/سازمان ممکن است در بستر یک فرهنگ سازمانی/ملی غلط افراد را به پارتی‌بازی به سود سایر اعضای گروه و تبعیض قائل شدن به ضرر سایر افراد غیرعضو وادارد، میزان فراگیری مشارکت در جامعه را کاهش دهد، و با تحمیل هزینه‌های ناعادلانه به دیگران سرمایه اجتماعی کل کشور را پایین آورد.

چرایی (علل غایی) سرمایه اجتماعی

درباره غایات نهایی و اهداف اصلی سرمایه اجتماعی دو رهیافت عمده وجود دارد. نخستین رهیافت، چون انسان را مخلوقی ذاتاً اجتماعی فرض می‌کند، برای سرمایه اجتماعی ارزش ذاتی قائل است و ایجاد و انباشت و مصرف مستمر و زاینده سرمایه اجتماعی جامعه را مطابق سرشت و ماهیت انسان و عامل بازگشت او به اصل و ریشه‌اش می‌داند. رهیافت دوم برای سرمایه اجتماعی ارزش آلی قائل است و آن را ابزاری جهت دستیابی به اهداف دیگر به شمار می‌آورد. به نظر می‌رسد این دو رهیافت در تضاد با هم نیستند و قابل جمع‌اند. به عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی هم می‌تواند ارزش ذاتی داشته و اصالتاً خوب و مطلوب باشد هم توأمان عامل دستیابی به سایر

-
1. dysfunctions
 2. group-thinking
 3. free riding

دستاوردها و پیامدهای مطلوب برای بشر باشد. در قسم اخیر، سرمایه اجتماعی از حیث فردی می‌تواند موجب پیشینه‌سازی منافع فردی و دستیابی اشخاص به رفاه شود و از حیث اجتماعی نشاط عمومی بیشتر، حکومت بهتر و دولت کارآمدتر، موفقیت اقتصادی جامعه، افزایش کیفیت زندگی اجتماعی، دستیابی به جامعه دموکراتیک، حفظ محیط زیست، و کاهش جرم را به ارمغان آورد. شکل ۸ مضامین مرتبط با چرایی (علل غایی) سرمایه اجتماعی را به تصویر می‌کشد.

مضامین مرتبط با چرایی (علل غایی) سرمایه اجتماعی				
کاهش جرم	حکومت بهتر	نشاط عمومی	بیشینه‌سازی منافع فردی	رفاه زندگی
موفقیت اقتصادی جامعه	افزایش کیفیت زندگی	دستیابی به جامعه دموکراتیک	حفظ محیط زیست	توسعه
ارزش ذاتی				
ارزش آلی (ابزاری)				

شکل ۸. مضامین مرتبط با چرایی (علل غایی) سرمایه اجتماعی

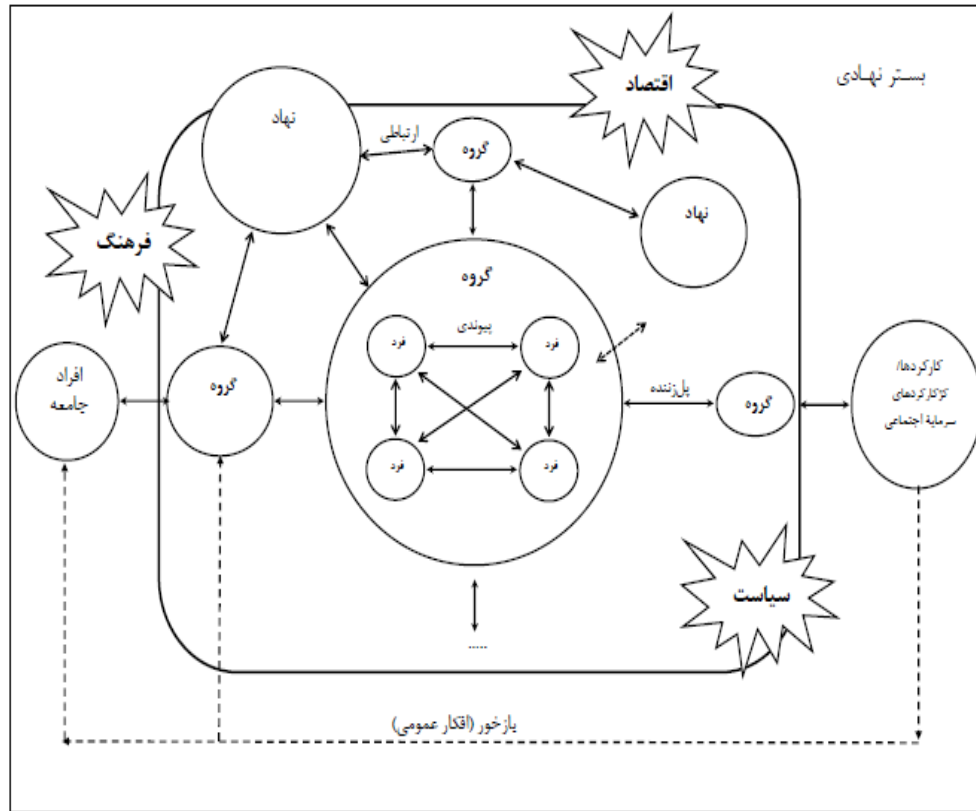
جمع‌بندی و نتیجه

مفهوم سرمایه اجتماعی، اگرچه مطابق اسمش نوعی «سرمایه» محسوب می‌شود که همانند هر سرمایه دیگری می‌تواند به هر فرد بشری در رسیدن به اهدافش یاری رساند، از دو جنبه مهم با سایر انواع سرمایه تفاوت دارد. نخست آنکه طبق رویکردی غالب سرمایه اجتماعی ارزش ذاتی دارد. یعنی صرف‌نظر از کارکردهای مثبتش فی‌نفسه مطلوب انسان است. و دیگر آنکه سرمایه اجتماعی از آنجا که مبتنی بر روابط و تعاملات انسان‌ها با یکدیگر است، ماهیتی جمعی (و نه فردی) دارد. بنابراین، منافعش به تناسب همه اعضای رابطه را شامل می‌شود. این موضوع باعث می‌شود هر چه دایره عضویت در شبکه و فعالیت در آن وسیع‌تر باشد سرمایه بیشتری تولید و انباشته شود و بالمآل منافع گسترده‌تری را برای اعضا به ارمغان آورد. در این تحقیق سعی شد مفهوم سرمایه اجتماعی به منزله «سیستم تعاملات اجتماعی» در جامعه تبیین شود (شکل ۹). یعنی مجموعه‌ای از انسان‌ها که به طور نظام‌مند با یکدیگر ارتباطی شبکه‌ای و بر پایه اعتماد دارند و از مجرای این تعاملات چندسویه به یکدیگر سود می‌رسانند. ورودی^۱ سیستم سرمایه اجتماعی را

1. input

انسان‌ها تشکیل می‌دهند؛ انسان‌هایی که قبلاً از حیث توان و تمایل به برقراری تعاملات انسانی توانمند شده‌اند. مهم‌ترین عامل تواناساز رواج حس اعتماد عمومی در جامعه است. ساختار سیستمی سرمایه اجتماعی عبارت است از روابط میان انسان‌ها داخل هر شبکه (تعاملات پیوندی) و نیز روابط میان شبکه‌ها (روابط پل‌زننده). پایه این شبکه‌ها ممکن است روابط اقتصادی (منفعت‌طلبانه)، روابط سلسله‌مراتبی (اجباری - رسمی)، و روابط اجتماعی (دوستانه و ...) باشد. این ساختار سیستمی در واقع شبکه‌ای وسیع‌تر، حاصل تعاملات بین شبکه‌ها، است (یعنی شبکه شبکه‌ها) و از آنجا که هر سیستم اجتماعی باز^۱ و با محیط خود در تعامل است سیستم سرمایه اجتماعی نیز از طریق تعاملات ارتباطی با محیط فراگیر خود، که عبارت از بستر نهادی (سیاسی، حقوقی، قانونی، فرهنگی، و ...) است، ارتباطات رسمی عمودی دارد و بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد و از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد (روابط ارتباطی). خروجی^۲ سیستم سرمایه اجتماعی (یا همان سیستم تعاملات اجتماعی) را دو دسته کارکردهای مثبت و مطلوب و کارکردهای نامطلوب و منفی تشکیل می‌دهند. در جوامع پیشرفته معمولاً سرمایه اجتماعی کارکرد مثبت دارد و به ارتقای رفاه مادی و آرامش روانی عموم مردم جامعه می‌انجامد. اما در جوامع در حال توسعه معمولاً سرمایه اجتماعی با کارکردهای منفی خود، نظیر پارتی‌بازی و رانت‌خواری و ... ظهور می‌یابد و به همین سبب صرفاً در خدمت پاره‌ای از افراد (و نه همهٔ آحاد جامعه) قرار می‌گیرد. اینکه نهایتاً کدام دسته از این کارکردها در جامعه تولید می‌شود و آیا انباشت و رشد سرمایه اجتماعی به طور کلی به سود جامعه است یا خیر به‌منزلهٔ بازخور توسط مردم جامعه ادراک می‌شود و در فرایندی بازگشتی مبنای تصمیم‌گیری و عمل آن‌ها در آینده قرار می‌گیرد. در مجموع می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که چون انسان‌ها تکویناً اجتماعی آفریده شده‌اند، مدیریت سرمایه اجتماعی برای اینکه با این سرشت خلقت الهی هم‌نواپی و تناسب داشته باشد باید بر منافع مشترک، ادراکات مشترک، و خیر عمومی تأکید کند. در غیر این صورت سرمایه اجتماعی به ابزاری برای تقسیم‌بندی و تفکیک بیشتر انسان‌ها، دوری آن‌ها از یک‌دیگر، و تمایز طبقاتی‌شان بدل خواهد گشت.

1. open
2. output



شکل ۹. سرمایه اجتماعی به مثابه سیستم تعاملات اجتماعی جامعه

یادداشت‌ها

[۱] برای فهم بهتر علل اربعه و رابطه میان آنها، تمثیلی که در ادامه می‌آید راهگشا خواهد بود: در ساختن یک ساختمان، مواد اولیه و مصالح مورد نیاز - نظیر آجر، سیمان، و ... - علل «مادی»، کارگر، معمار و بنا علل «فاعلی»، نقشه ساختمان و سازوکار به‌کارگیری مواد علل «صوری»، و اسکان مردم علت «غایی» به‌شمار می‌روند.

[۲] پیوست شماره ۱ در حدود ده‌هزار کلمه به پیوست فایل اصلی مقاله آمده که در دفتر نشریه

موجود است.

[۳] بنا بر پیشینه پژوهش حاضر، مفهوم «سرمایه اجتماعی» اعمّ از «تعاملات اجتماعی» است. بنابراین، سه نوع پیوندی، پل‌زننده، ارتباطی در واقع سه نوع مختلف از تعاملات اجتماعی‌اند (و نه سه نوع مختلف از سرمایه اجتماعی). ولی در اکثر منابع معمولاً عبارت دوم را برای این سه نوع به کار می‌برند.

[۴] محیط و زمینه کلان سرمایه اجتماعی اعمّ از شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی است. حکومت، در مقام عنصر مهم و تأثیرگذار این محیط، نقشی پررنگ در فراهم‌سازی زمینه ایجاد و انباشت سرمایه اجتماعی ایفا می‌کند (= زمینه‌سازی رسمی).

منابع

۱. الوانی، سید مهدی و میرعلی سیدنقوی (۱۳۸۱). سرمایه اجتماعی، مفاهیم و نظریه‌ها، مطالعات مدیریت، ش ۳۳ و ۳۴، صفحات ۹-۲۶.
۲. بنائی، امیرحسین (۱۳۹۴). *پارادایم نوین مدیریت*، تهران، انتشارات کیمیاگران سپاهان.
۳. حق‌شناس، علی محمد و همکاران (۱۳۸۷). *فرهنگ معاصر هزاره*، چ ۱۳، تهران، فرهنگ معاصر.
۴. خنیفر، حسین و ناهید مسلمی (۱۳۹۶). *روش‌های پژوهش کیفی*، جلد ۱، تهران، نگاه دانش.
۵. سلیمی، علی و محمد داوری (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی کج‌روی*، چ ۲، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۶. گراهام هابز، نیکول جی. شافر (۱۳۸۷). *مبانی مفهومی سرمایه اجتماعی*، مترجم محمد مهدی شجاعی باغینی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۷. فیلد، جان (۱۳۸۶). *سرمایه اجتماعی*، ترجمه غلام‌رضا غفاری و حسین رضائی، تهران، کویر.
8. Albee & Boyd (1997). *Doing it differently: networks of community development agents*, Scottish community education council, Edinburg, Scotland.
9. Aslund, A. (1996). Reformed rent-seeking in Russia's economic transformation, *transition journal*, pp. 12-16.
10. Astone, Nanmarie, (1999). Family demography, social theory and investment in social capital, *population and development review* 25(1): pp. 1-31.
11. Babones, Salvatore (1996). *Personal communication*, New York: Greenwood press.
12. Bourdieu, Pierre (1984). *Distinction: a social critique of the judgment of taste*, London: Routledge.
13. Bourdieu, Pierre (1993). *Forms of capital*, New York: Greenwood press.
14. Boyatzis, R. E. (1998). *Transforming qualitative information: thematic analysis and code development*, sage pub.
15. Brown, L. David (1998). *Creating social capital*, Yale University press.
16. Burt, Ronald (1992). *Structural holes: the social structure of competition*, Cambridge: Harvard University press.
17. Cohen, C. J. (2001). *Social capital, intervening institutions and political power*, New York: Russell sage foundation.
18. Coleman, James s. (1990). How work site schools and other schools can generate social capital, *American federation of teachers*: pp. 35-45.
19. Coleman, James s. (1994). *Foundations of social theory*, Cambridge: the Belknap press of Harvard University press.

20. Coleman, James s. (1998). Social capital and the creation of human capital, *American journal of sociology*, 94: pp. 94-120.
21. Collier (1988). Social capital and poverty, *social capital initiative*, no.4, the World Bank, USA.
22. Esman, Milton & Uphoff, Norman (1984). *Local organizations: intermediaries in rural development*, Ithaca N.Y: Cornell University.
23. Evans, Peter (1996). Government action, social capital and development: reviewing the evidence on synergy, *world development* 24(6): pp. 19-32.
24. Falk & Kilpatrick (1999). *What is social capital? A study of interaction in rural community*, university of Tasmania, Australia.
25. Fukuyama, Francis (1995) *trust: the social virtues and the creation of prosperity*, New York, free press.
26. Gibson, J. J. (1979). *Ecological approaches to visual perception*, Boston: Houghton Mifflin.
27. Gittel, R. & Thompson, P. J. (2001). *Making social capital work*, New York: Russell sage foundation.
28. Granovetter, Mark (1973). The strength of weak ties, *American journal of sociology* 18: pp. 1360-1380.
29. Grootaert, christiaan (1998). Social capital: the missing link, *Social Capital Initiative, Working Paper No. 3*.
30. Hetcher (1987). *Principle of group solidarity*, university of California, USA.
31. Hobbs, Graham (2000). *What is social capital? A brief literature overview*, New York: Russell sage foundation.
32. Isham, Jonathan (1999). the effect of social capital on technology adoption: evidence from rural Tanzania.
33. Knack, Stephen (1998). Social capital, growth and poverty: a survey of cross-country evidence, World Bank, Washington D.C., USA.
34. Knack, S. & Keefer, P. (1997). Does social capital has an economic payoff? A cross-country investigation, *the quarterly journal of economics*, vol. CXII (December 98): pp. 1252-1288.
35. Macmillan, D. W. & Chavis D. M. (1986). Sense of community: a definition and theory, *journal of community psychology* 14: pp. 6-23.
36. Moser, Caroline (1996). *Confronting crisis: a comparative study of household responses to poverty and vulnerability in four poor communities*, Washington D.C., World Bank.
37. Munkner (1979). *Co-operatives & rural poverty*, Marburg, Federal republic of Germany.
38. Narayan, Deepa & Shah, Talat (1999). *Gender inequity, poverty and social capital*, World Bank, Washington D.C., USA.

39. Narayan, etc. (1997). *Voices of the poor: poverty and social capital in Tanzania*, World Bank, Washington D. C., USA.
40. Oakley etc. (1991). *Projects with people: the practice of participation in rural development*, international labour organization, Geneva, Switzerland.
41. Olson (1982). *The rise and decline of nations*, Yale university press, Newtaven, USA.
42. Parcel T. L. & Managhan E. G. (1993). Family social capital and children's behavior problems, *social psychology quarterly* 56(21): pp. 120-135.
43. Paxton, P. (1999). Is social capital declining in the United States? *American journal of sociology* 105: pp. 88-127.
44. Ponthieux, Sophie (2004). The concept of social capital: a critical review, 10th ACN Conference - Paris, 21-23 January.
45. Portes, Alejandro (1995). *Economic sociology and the sociology of immigration*, New York, Russell sage foundation.
46. Putnam, Robert (1993). *Making democracy work*, Princeton university press.
47. Putnam, Robert (1995). Bowling alone: American declining social capital, *journal of democracy* 6(1): pp. 65-78.
48. Putnam, Robert (2000). *Bowling alone: the collapse and revival of American community*, Newyork: Simon & Schuster.
49. Putnam, Leonardo & Nanetti (1993). *Making democracy work: civic tradition in modern Italy*, Princeton university press, USA.
50. Raiser, Martin, Christian Haerpfer, Thomas Nowotny, & Claire Wallace (2001). *Social capital in transition*.
51. Rose (1999). Getting things done in an anti-modern society, social capital in Russia, in Dasgupta & Seregeldin, World Bank, USA.
52. Sabel (1994). Learning by monitoring: the institutions of economic development, in Smelser & Swedvered, hand book of economic sociology, Princeton university press, USA.
53. Schaefer, Nicole J. & McDaniel (2004). conceptualizing social capital among young people: towards a new theory, *Children, Youth and Environments*, Vol. 14, No. 1, Collected Papers (2004), pp. 153-172 .
54. Schafft, kai (1998). *Grassroots development and the reconfiguration of local political institutions*, Goerge Washington University.
55. Schneider, Teske, Marshall, Mintrom, & Roch (1997). Institutional arrangements and the creation of social capital: the effects of public school choice, *American political science view*, 91(1).
56. Scruton, Roger (2007). *The Dictionary of political thought*, Palgrave Macmillan, Edition 3.
57. Skocpol, Theda (1996). Unraveling from above, *the American prospect* 25: pp. 20-25.

58. Suhrcke, M. (2000). The quality and size of government in transition economics- are they still different? Hamburger, mimeo.
59. Uphoff (1999). Understanding social capital: learning from the analysis and experiences of participation, in Dasgupta & Seregeldin, World Bank, USA.
60. Varshney, Ashutosh (2000). *Ethnic conflict and civic life Hindus and Muslims in India*, New haven, Yale University press.
61. Warren, M. R. etc. (2001). *The role of social capital in combating poverty, social capital and poor communities*, New York, Russell sage foundation.
62. Woolcock, Michael & Narayan, Deepa (2000). *Social capital: implications for development theory, research and policy*, *The World Bank Research Observer*; Aug 2000; 15, 2; ABL/INFORM Global pg. 225.